

زیر آسمان فیروزهای

گزارش نمایشگاه «صد اثر، صد هنرمند»

امسال به هدف مان رسیدیم



لیلی گلستان

● نمایشگاه تابستانی «صد اثر، صد هنرمند» امسال بیست و چهارمین سال خود را شروع کرد و شکفتی آفرید.

من فقط آماری ارائه می‌دهم و شما خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل:

این نمایشگاه از دوم مرداد شروع شد و تا دوم شهریور ادامه پیدا کرد. در شروع کار ۱۶۷ اثر هنری از ۱۸۷ هنرمند تحویل گرفته‌شد (از برخی از هنرمندان بیش از یک اثر گرفته شد)، و در نهایت، به تابلو روی هم رفته ۳۴۰ اثر در این یک ماه در گالری ارائه شد. یعنی هر کاری که فروش می‌رفت بلافاصله بسته‌بندی و به خریدار تحویل می‌شد و کار دیگری را جایگزین می‌کردیم.

در آخر کار ۱۱۱ اثر نقاشی و مجسمه به فروش رفته بود. حدودا روزی سه تا چهار اثر.

یعنی حداقل فروش یک نمایشگاه یک‌هفته‌ای در یک روز.

۶۰ درصد تماشاچیان برای اولین‌بار بود که به گالری ما می آمدند و حدود ۳۰ درصد آنها برای اولین‌بار اثر هنری خریدند! و این برای ما مایه مباحث شد. با امکانات تسهیلی‌ای که مهیا کرده بودیم توانستیم زمینه‌ای مناسب برای آسان‌ترخردن اثر هنری فراهم کنیم.

اتفاق خوشایندی که افتاد این بود که فروش بالای ما در کرو فروش آثار هنرمندان گران‌قیمت مثل سپهری ... نبود. درواقع به‌نوعی ساختار شکنی شد. از همان سال ۶۷ که گالری گلستان شروع به کار کرد یکی از مهم‌ترین هدف‌هایش فرستادن اثر هنری به خانه اشخاص در طبقه متوسط اجتماع بود. یعنی مهم‌ترین، پرجمعیت‌ترین و شریف‌ترین طبقه اجتماعی و بالاخره امسال به هدفمان رسیدیم.

ارزان‌ترین اثر **ارائه‌شده** صد هزار تومان و گران‌ترینش ۲۵۰ میلیون تومان بود.

در نهایت ۱۱۱ اثر به قیمت ۸۴۰ میلیون تومان به فروش رسید. پرفروش‌ترین هنرمند شمس‌الدین غازی بود و بعد از او مصطفی دره‌باغی، مرتضی دره‌باغی، آرمان یعقوب‌پور، کیوان بیرانوند، علی ترقی‌جاه و فریا بهمنی.

اینجا باید یک نتیجه‌گیری مختصر کنم که اگر منصف باشیم، اگر حرص مال نزنیم، اگر نسبت به هنر متعهد و مسئول و با هدف باشیم و اگر خریدار را دست‌کم نگیریم و به حضور و خواستش احترام بگذاریم و اعتمادش را جلب کنیم، آن‌وقت همین می‌شود که شد.

اگر عمری باقی باشد باید بگویم به امید نمایشگاه «صد اثر، صد هنرمند» سال آینده، و با تشکر از تمام کسانی که با ما اعتماد کردند.

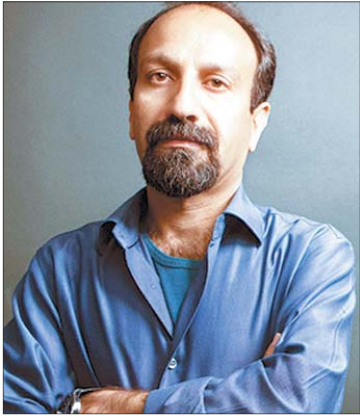
خبر سازان

خشم اسرائیل از حضور یک آهنگساز در ایران

● حضور آهنگساز آرژانتینی‌ال‌اصل ضداسرائیل در ایران، خشم اسرائیلی‌ها را برانگیخت. اسرائیلی‌ها که از خبر اجرای قریب‌الوقوع ارکستر سمفونیک برلین به رهبری «دنیل بارنبوم» در ایران به خشم آمده بودند، خواستار جلوگیری دولت آلمان از این اجرای صحنه‌ای شد. اجرای این کنسرت موجبات خشم رژیم صهیونیستی را تا جایی فراهم آورده که این رژیم از آنکلا مرکل، صدراعظم آلمان درخواست لغو این اجرا را کرده است. در این میان، «میری رگو»، وزیر فرهنگ رژیم غاصب اسرائیل اعتراض خود را به مرکل اعلام کرده و در این‌باره در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: من در نامه‌ام تاکید کردم حضور دنیل بارنبوم در ایران به تلاش‌های اسرائیل برای جلوگیری از توافق هسته‌ای ایران صدمه می‌زند و موجب تقویت به رسمیت شناخته‌نشدن اسرائیل خواهد شد. من معتقدم اگر قرار باشد از حضور این ارکستر و رهبرش در ایران جلوگیری شود، آلمان به درستی رفتار خواهد کرد.

پنه‌لویه کروزمقابل دوربین «فرهادی»

فرانک آرتا



پنه‌لویه کروز، در فیلم جدید اصغر فرهادی بازی می‌کند. این بازیگر مشهور هالیوودی اسپانیایی‌ال‌اصل که به‌زودی با اکران فیلمی از «خولیو مدم»، به سینماهای اسپانیا بازمی‌گردد، بازیگر فیلم بعدی اصغر فرهادی خواهد بود که قرار است در اسپانیا فیلم‌برداری شود. هنور نامی برای فیلم بعدی فرهادی، کارگردان برنده جایزه اسکار سینمای ایران، انتخاب نشده؛ اما بازی پنه‌لویه کروز در این فیلم قطعی است. پدرو ال‌مادوار، کارگردان و تهیه‌کننده اسپانیایی، در ساخت این فیلم با فرهادی همکاری می‌کند. اصغر فرهادی در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق» علت انتخاب این بازیگر را چنین توضیح داد: «همیشه بازی او را دوست داشتم، مخصوصا در فیلم‌های اسپانیایی‌اش مثل «وولور»، ساخته پدرو ال‌مادوار. همان یک‌سال پیش که با هم درباره داستانی که برای ساختن در نظر داشتم صحبت کردیم، از شوق و اشتیاقی که در او دیدم مطمئن شدم برای این نقش انتخاب درستی است. بعدتر با خلق و خو و روحیات شخصی، انگیزه بالا و عشقی که به کارش دارد مطمئن‌تر شدم او همان کسی است که باید این نقش را بازی کند. در این یک سال با هر دیدار این اطمینان در من بیشتر شد». پنه‌لویه کروز نیز درباره همکاری خود با اصغر فرهادی طی گفت‌وگویی با رسانه‌های اسپانیایی چنین پاسخ داد: «اصغر، یک‌سال پیش داستان فیلم بعدی خود را برابرم تعریف کرد و من بدون خواندن فیلم‌نامه، به او گفتم که در این فیلم بازی می‌کنم. چون به نظر او کارگردانی فوق‌العاده است. داستان فیلم بسیار قدرتمند است و من خیلی دوست دارم آن نقش را بازی کنم. هنوز نام فیلم مشخص نشده و فرهادی در حال کارکردن روی مراحل پایانی فیلم‌نامه آن است». پنه‌لویه کروز، بازیگر اسپانیایی برنده اسکار، در فیلم‌هایی همچون «ویکی کریستینا بارسلونا»، «دزدان دریایی کارالیب»، «به رم، با عشق» و... بازی کرده است و برای بازی در فیلم «ویکی کریستینا بارسلونا»، به‌کارگردانی وودی آلن، جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را دریافت کرد. پروژه بین‌المللی اصغر فرهادی، اکتر سال آینده میلادی در اسپانیا کلید خواهد خورد. این فیلم محصول مشترک کشورهای فرانسه و اسپانیاست. این‌نویسنده و کارگردان برنده اسکار، نگارش فیلم‌نامه جدید خود را در سال گذشته به پایان رسانده و طبق



۲۰۱۱ از نظر نامزدشدن در جوایز بین‌المللی با هم سهم بودیم و در بسیاری از موارد در یک فهرست قرار داشتیم. شرکت سونی‌کلاسیک نیز اقدام به توزیع فیلم‌هایمان کرد. آن سال فیلم «جدایی نادر از سیمین» یکی از مهم‌ترین‌های جایزه گلدن گلوب بود. این اتفاق‌ها باعث شد دوستی ما پیوند بخورد. فرهادی نوشتن پروژه بعدی خود را به پایان برده است و داستان این فیلم در اسپانیا اتفاق می‌افتد. او به محل فیلم‌برداری ما آمد تا در مورد فیلم صحبت کند. من یکی از بزرگ‌ترین تحسین‌کنندگان سینمای فرهادی هستم. او یکی از معدود نویسندگان معاصر است که هنوز حرف‌هایی برای گفتن درباره روابط خانوادگی دارد».

فیلم‌های اصغر فرهادی حول محور روابط آدم‌ها و خانواده می‌چرخد. این کارگردان سینما در بخش دیگر گفت‌وگوبیش با «شرق» درباره اهمیت پرداختن به روابط زن و مرد در چارچوب خانواده در فیلم‌هایش چنین گفت: «بیش از اینکه رابطه زن و مرد اهمیت داشته باشد، نفس رابطه است که اهمیت دارد فارغ از جنسیت. با وجود برداشت‌های متفاوت و مختلفی که از شخصیت‌های زن یا مرد در این فیلم‌ها شده، من کمتر علاقه و اصراری به خط‌کشی و دسته‌بندی جنسیتی شخصیت‌ها دارم. اعتقاد ندارم که در این فیلم‌ها زن‌ها، تنهاوتنها به‌دلیل زن‌بودنشان صاحب یک ویژگی اثبات‌شده مشترک‌اند یا مردها نیز به‌خاطر مردبودنشان در یک دسته واحد قرار می‌گیرند. شاید بشود شباهت‌هایی میان زنان و شباهت‌هایی بین مردها در این فیلم‌ها

پیدا کرد اما این شباهت‌ها فقط برآمده از جنسیت کاراکترها نیستند. به‌هرحال، کهن‌ترین و قدیمی‌ترین رابطه بشری، رابطه زن و مرد است. رابطه پیچیده و پرتناقضی که با همه قدمتش در همه‌جای جهان مسائل و مشکلاتش همچنان تازه است. اما اینکه چرا ارتباط میان انسان‌ها در بستر خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد، دلایل مختلفی دارد. اولین و ساده‌ترین دلیل الزامی است که قصه‌ها به وجود می‌آورند. من پیش از نوشتن داستان‌هایم تصمیم نمی‌گیرم که فلان تم یا موضوع را در بستر یک خانواده و با کمک یک داستان مطرح کنم. آغاز همه‌چیز داستان است. طی شکل‌گرفتن داستان این موضوعات و پرداخت‌ها رنگ می‌گیرند و برجسته می‌شوند اما دلیل دوم که در جای دیگری هم به آن اشاره کرده‌ام این است که به نظر من موضوع ارتباط بین آدم‌ها مخصوصا در واحد کوچکی مثل خانواده در همه فرهنگ‌ها و جغرافیاهای بین همه انسان‌ها دغدغه مشترکی است. درواقع تماشاگر با این نوع داستان پیشاپیش یک قدم به فیلم شما نزدیک شده چون فیلم نیز درباره این دغدغه مشترک بحث و سؤال ایجاد می‌کند. از سوی دیگر «خانواده نمونه» یک «جامعه کوچک» است و یک مثال از جامعه بزرگ‌تر. این جامعه کوچک، بسیار غنی و حاصلخیز برای داستان‌سازی است. در آن زن، مرد، کودک، نوجوان و بزرگ‌سال وجود دارد، عشق، نفرت، تردید و همه تم‌هایی که در یک اجتماع بزرگ قابل‌لمس‌اند اینجا نیز امکان طرح و بررسی را دارند».

اما شنیده‌ها حاکی از آن است که اصغر فرهادی قصد دارد قبل از آغاز پروژه اسپانیایی خود، امسال در ایران فیلمی را مقابل دوربین ببرد. او این‌روزها در حال صحبت با عوامل پشت دوربین فیلم ایرانی خود است. «گذشته» نخستین فیلمی بود که فرهادی در خارج از مرزهای ایران و با تهیه‌کنندگی شرکتی فرانسوی ساخت. این فیلم در جشنواره‌های متعدد خارجی به نمایش درآمد و نامزد جوایز گلدن گلوب و سزار شد و جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره کن را از آن «برنیس بژو»، بازیگر نقش اول زن فیلم، کرد. «گذشته» در فرانسه نزدیک به یک میلیون نفر تماشاگر داشت. «جدایی نادر از سیمین»، ساخته فرهادی، برای نخستین‌بار جوایزی چون اسکار و گلدن‌گلوب را برای سینمای ایران به ارئه‌اند آورد.

که در سال ۱۹۷۶ ساخته شده، اشاره کرد تا کمبود فیلم‌های ساخته‌شده در این زمینه را نشان دهد. مجیدی در بخش دیگری از این نشست عنوان کرد که برای این فیلم به مدت چهارسال تحقیق و با پژوهشگران سنی و شیعه و محققان تاریخی گفت‌وگو کرده است.

رادیو بین‌المللی کانادا در ادامه گزارش خود اشاره کرده در این فیلم که بیش از سه‌ساعت است، اجراهای قوی و صحنه‌هایی با وسعت بسیار، این اثر را به یک ضیافت بصری تبدیل کرده. این گزارش از افتتاح رسمی جشنواره فیلم مونترال در عصر پنجشنبه، پنجم شهریور یاد کرده که فیلم مجیدی به‌عنوان آغازگر جشنواره نمایش داده شده و عنوان کرده است که گروهی از قطر نیز که قصد ساخت فیلمی از زندگی حضرت محمد(ص) دارند، در این مراسم شرکت داشته‌اند و در پایان جمله‌ای از مجیدی در نشست مطبوعاتی را نقل کرده: «هرچقدر فیلم‌های بیشتری در دنیای اسلام باشد، بهتر است».

به گزارش مهر به نقل از «لیبراسیون»، ارائه تصاویر زیبا، جواشی بسیار و بازیگری حرفه‌ای، مخاطب را جذب این فیلم می‌کند. لیبراسیون در ادامه آورده است که پنجشنبه بعدازظهر بیرون از سینمای امپیرال در مونترال، جایی که جشنواره برپا شد، گروه کوچکی از مخالفان نیز شعارهایی در مخالفت با فیلم سر دادند.

سایت «لدووا» نیز در مورد نمایش «محمد(ص)» نوشت: «نمایش این فیلم مثل بمب در مونترال صدا کرد، فیلمی که بیشتر شبیه فیلم‌های هالیوودی مذهبی مثل «۱۰ بصره» سیسیل ب.دومیل است و از نظر خلوص و صفا با بالاترین درج از جلوه‌های ویژه ساخته شده است. البته زمان ۱۹۰ دقیقه‌ای آن اندکی طولانی به نظر می‌رسد».

ناظری‌ها در باغ عفیف آباد شیراز

حافظ ناظری، رونمایی شد. برای ساخت این ساز بیش از سه سال وقت صرف و نزدیک به ۴۰ نمونه از آن ساخته شده است. شهرام ناظری در ابتدای این کنسرت که در فضای باز باغ‌موزه عفیف‌آباد برگزار شد، با ستایش از فراهم‌بودن برگزاری کنسرت‌های بزرگ در شهر شیراز، خاطر‌نشان کرد: «کم نیستند بزرگانی که از این خاک زرخیز برخاسته‌اند، زیرا مردم شیراز در هنر همواره پیشرو بودند. گرچه فضای برگزاری کنسرت‌های این‌چنینی در محیط‌های باز و غیریوشیده با نقایصی همراه است که مربوط به نوع کار می‌شود، اما جا دارد که برگزاری این کنسرت‌ها مورد ستایش قرار گیرد. این حضور مردمی دلگرمی واقعی ماست».

هنر

شرق: سی‌ونهمین جشنواره فیلم مونترال با فیلمی از ایران آغاز شد. «محمد رسول‌الله(ص)» دومین فیلمی است که به زندگی پیامبر اسلام می‌پردازد و مجید مجیدی که کارگردانی آن را برعهده داشته، معتقد است هرچقدر فیلم‌های بیشتری در دنیای اسلام ساخته شود، بهتر است.

آخرین ساخته مجید مجیدی با عنوان «محمد رسول‌الله(ص)» به صورت هم‌زمان در ایران و کانادا به نمایش گذاشته شد. این فیلم علاوه‌بر نمایش در ۴۰ سینمای تهران و ۹۸ سینمای شهرستان‌ها، آغازگر سی‌ونهمین جشنواره جهانی فیلم مونترال هم بود. این فیلم به کودکي پیامبر اسلام می‌پردازد و در آن بازیگرانی همچون مهدی پاکدل، علیرضا شجاع‌نوری، محسن تائبند، مینا ساداتی، داریوش فرهنگ، رعنا آزادی‌ور، هدایت هاشمی، نگار عابدی، ساره بیات و... حضور دارند. مجیدی که در سال ۱۹۹۸ جزء پنج نامزد نهایی دریافت بهترین فیلم خارجی‌زبان اسکار شد، این‌روزها به‌همراه تعدادی از عوامل فیلم به مونترال سفر کرده است تا در افتتاح رسمی این جشنواره و نمایش فیلم در این مراسم حضور داشته باشد. او سوم شهریور عازم کانادا شد و بعد از آنکه صبح پنجشنبه، پنجم شهریور اثرش در جشنواره به نمایش درآمد، بعدازظهر همان روز به‌همراه تهیه‌کننده و سه بازیگر محوری فیلم در یک نشست خبری شرکت کرد تا در مورد هزینه و انگیزه‌های ساخت فیلم صحبت کند. مجیدی در این نشست به زبان فارسی صحبت کرد و جملاتش از طریق مترجم به اصحاب رسانه منتقل شد. رادیو بین‌المللی کانادا در گزارشی از این نشست مطبوعاتی عنوان کرده که ساخت فیلم «محمد(ص)» هفت سال به طول انجامیده است و به گفته مجیدی بعد از آغازبه‌کار جشنواره مونترال ظاهرا برای پاسخ‌دادن به اشتیاق

آگهی ابلاغ مفاد ماده ۱۷ قانون رسیدگی به تخلفات اداری به آقای سعید رجبعلی پور نوبت اول

"بدینوسیله مفاد ماده ۱۷ قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان به شرح ذیل به آقای سعید رجبعلی پور

فرزند محمد علی کارمند مدیریت شعب بانک کشاورزی در استان خوزستان ابلاغ می گردد .

رئیس مجلس شورای اسلامی ، وزراء یا بالاترین مقام سازمانهای مستقل دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و سازمانهای موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون ، شهردار تهران ، شهرداران مراکز استانها ، استانداران و رؤسای دانشگاهها می توانند کارمندانی را که بیش از دو ماه متوالی و یا چهار ماه متناوب در سال بدون عذر موجه در محل خدمت حاضر نشده اند از خدمت در وزارتخانه یا دستگاه متبوع اخراج نماید ."

لذا به نامبرده ابلاغ می گردد حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ درج این آگهی به محل خدمت خود مراجعه و یا مدارک ومستندات مربوط به موجه نمودن ایام غیبت خود را به مدیریت استان محل خدمت تحویل نماید در غیر اینصورت مفاد ماده یاد شده اجراء خواهد شد.

این آگهی در دو نوبت متوالی در یکی از روزنامه های رسمی درج می گردد .

اداره کل امور کارکنان بانک کشاورزی

م الف ۱۶۸۱

چسب و فیچی

این آشپزخانه تعطیل است



مهرداد احمدی‌شیخانی

● آشپزی را خیلی دوست دارم. محیط آشپزخانه را هم همین‌طور. از پخت غذا بسیار لذت می‌برم. از قفسه‌های پر از شیشه‌های ادویه و سبزی‌های خشک و معطر. از دستگاه‌های مختلف پخت غذا؛ از آن قدیمی‌هایش گرفته که یکی‌شان را دارم (چراغ سه‌فیتیله‌ای) تا اجاق‌گازهای جدید و چندکاره و دستگاه موج‌بز یا همان ماکروویو. در فروشگاه‌ها باید به‌زور کتک مرا از بخش لوازم آشپزخانه بیرون بیاورند. دیگ و دیگچه و کارد و چنگال و لیوان و کاسه و بشقاب و... از تصورات هم‌شتم تنم مورمور می‌شود. سر کلاس درس هم هروقت برای فهم بهتر مباحث مثالی می‌زنم، از آشپزی می‌گویم. الگوی نوشتن کتاب‌هایم هم کتاب آشپزی است. حال فکر کنید آشپزخانه بزرگی داشته باشم پر از قفسه‌هایی با شیشه‌های ادویه و با یک‌عالمه ظروف مختلف و وسایل پخت غذا و کلی حیوانات پاک‌شده و انواع گوشت‌ها و سبزیجات، بعد گوشی تلفن را بردارم و رنگ بزنم برابم پیتزا بیاورند و کلا آشپزی و آشپزخانه را برای همیشه بگذارم کنار و همه هزینه‌هایی که طی سال‌ها برای آشپزخانه کرده‌ام و آن‌همه مواد غذایی را بلاصرف کنم. ممکن است بگوئید پیتزا که بد نیست و خوشمزه هم هست و تازه وقت هم برای آشپزی نمی‌گذاری و می‌توانی به کارهای دیگر بررسی. خب گیرم این نظر درست. اما آن هزینه و زمان که نتیجاش شده یک آشپزخانه با این تشکیلات که گفتم، چه؟

هفته قبل که یادداشتی برای «دشواری مطالعه در حال حرکت» نوشتم، یکی از دوستان متذکر شد که از این حرف بوی تغییر خط می‌آید. چند نفر دیگر هم اتفاقاً راه‌حل را در همین دیده بودند. اما برای من چنین تگاهی مثل همان است که آشپزخانه‌ای با آن امکانات را بگذاری و پیتزا سفارش بدهی. سؤالی که از این برخورد با آن یادداشت برابم پیش آمد این است که چرا وقتی اشکال و ایراد یک موضوع گفته می‌شود راه‌حل حذف‌کردنش به ذهنمان می‌رسد؟ در مورد همین خط نکته‌ای را جایی به‌ندام که کشور ترکیه با گذشت نزدیک به یک‌قرن از تغییر خط فقط کمتر از ۲۰ درصد متون قبلی خود را به خط جدید برگردانده‌اند و این یعنی ناخوناکردن حداقل ۵۰درصد از گذشته. اینکه فرم نوشتاری ما پاسخ‌گوی شرایط زندگی امروزمان نیست و هرروز هم بیشتر از ویژگی‌های زندگی پرسعت در کنونی دور می‌شود، دلیلی برای کنارنهادن آن نیست بلکه دلیلی برای اصلاح آن است. آن‌هم اصلاح مگر. یاد نکته‌ای از بل نیومن، هنرنییشه متوفی، افتادم که گفته بود: «ما جنوبی‌ها وقتی چیزی خراب می‌شود دورش نمی‌اندازیم؛ درستش می‌کنیم». ایراد ذکرشده برای خط بر راهی جز درست‌کردن ندارد. دورش که بیندازیم انکار آشپزخانه‌مان را با آن‌همه امکانات و هزینه‌ای که برایش شده، تعطیل کرده باشیم.

برخورد اصلاحی با فرم خط، موضوعی نیست که فقط برای ما به ضرورتی چاره‌ناپذیر تبدیل شده باشد، جهان غرب خیلی پیش‌تر از ما به‌واسطه سرعت‌یادکردن زندگی ناچار از انجام آن شده است و اصلا سرعت‌پیداکردن زندگی خیلی از ضروریات را خواسته یا ناخواسته بر ما تحمیل می‌کند که نپذیرفتنش فقط کارکرد امکاناتمان را، هرروز محدودتر خواهد کرد. پس از جنگ جهانی دوم و با سرعت‌گرفتن زندگی مدرن، قلم Helveticا ساخته شد که به مرور خطوط دیگری از دل آن بیرون آمد؛ خطوطی که به‌واسطه فرم، مناسب خواندن در شرایط مختلف، ازجمله در زمان حرکتند و تقریباً در تمامی کتاب‌ها و نشریات لاتین، قلم اصلی متن هستند. در کشور ما نیز این ضرورت، بعضی را به صرافت طراحی قلمی یا ویژگی‌هایی مانند قلم Helveticا انداخت که در برخی موارد مانند قلم «یکان» که توسط استاد مسعود سپهر طراحی شده، بسیار به این ایده نزدیک است. اما جالب اینکه نه قلم یکان و نه حتی قلم‌های دیگری که بر این اساس طراحی شدند (که البته بسیار کم هستند)، از سوی هیچ نشریه‌ای و تقریباً در هیچ کتابی، قلم اصلی نگارش متن محسوب نمی‌شوند.

اینکه قلم‌های پیشین همچنان قلم اصلی نگارش متن کتاب‌ها و نشریات است، بیشتر نشانگر عدم توجه ما به فرصت مطالعه‌ای است که زمان طی‌شده هرروز از خانه به محل کار و برعکس در اختیارمان قرار می‌دهد و با اینکه قطع روزنامه‌هایمان را برای این طی طریق «متروبی» کرده‌ایم، ولی قلم متن‌هایمان نه‌تنها متناسب با این وضعیت تغییر نکرده، بلکه نگاهمان به نوع قلم متن همان نگاه دوره قبل است. این‌همه، بیشتر تصویر بی‌اهمیت‌بودن مطالعه برای صاحبان آثار مکتوب را به ذهن متبادر می‌کند و گویی برایشان اهمیتی ندارد که چیزی که منتشر می‌کنند خوانده می‌شود یا نه. همان‌طور که در یادداشت هفته گذشته هم گفتم، قطعاً مطالعه‌نکردن دلایل مختلفی دارد ولی فرض را بر این بگذاریم که همه آن دلایل رفع شد، وقتی نشود متن را خواند، آشپزخانه تعطیل می‌شود.